مسلم بودن تواتر قرائات و اشکال به التمهید

یکی از چیزهایی که امروز دیدم و برایم جالب بود، در جلد دوم، صفحه هشتاد و پنج بود. دو-سه سؤال سنگین مقابل ایشان مطرح میشود. به ایشان میگویند شما در مورد اختلاف مصاحف عثمانی چه میگویید؟ یعنی بهعنوان اشکال بر صاحب التمهید مطرح میشود. ایشان میگویند چه کسی گفته که مختلف است؟ یک مثال میزنند. میگوید در سوره بقره در مصحف شام به این صورت بوده: «و أوصی بها إبراهیم» ولی در مصحف کوفه «و وصی بها ابراهیم» بوده. ایشان میفرمایند وقتی به این صورت شد، مسلمین فهمیدند و مصحف شام را کنار گذاشتند.میگویند «رفضته العامه». الآن هر کجا میروید میبینید که ما «اوصی» نداریم. میگویند قرآن به این صورت است. مصحف به این صورت مستقر میشود.این طور محکم می گویند.

در فدکیه هست، من کل مصحف شریف را به خط عثمان طه بر طبق قرائت ورش از نافع که مصحف مدنی است، قرار دادهام. تنها مصحف شام نبوده. الآن شما به اینترنت بروید، خط عثمان طه را بیاورید، مصحف ورش را ببینید. آن دارد «و اوصی». اما ایشان میگویند «رفضت العامه». خب نمیشود همینطور چیزی گفت و رفت!

دو روز پیش هم به مطلبی رسیدم. فایل آن هم هست. الآن در سودان بالفعل سه قرائت[1] رایج است. ورش از نافع –البته شاید قالون از نافع بود- ابوعمرو بصری و حفص. مصاحف آن هم موجود است. بهشدت کاری میکنند که این سه قرائت بالا بیاید. آقایی که در فایل صحبت میکند و درست هم میگوید.

اینکه من گفتم بالاتر از ضرورت است، همین است؛ نگذاریم مثل فقه اللغه بشود. الآن بالای صد سال است که فقه اللغه در دانشگاههای ممالک عربی شتاب عظیمی گرفته اما در حوزه هنوز خبری از آن نیست. یعنی الآن صبر می کنیم اما بعد ها وقتی میفهمیم که مجوریم هر چه کتاب در مورد فقه اللغه در حوزه بنویسیم باید از آنها آدرس بدهیم. همین مسأله قرائت الآن بهشدت شروع شده است. خودشان هم میگویند. بعد از امکانات امروزی، سی دی ها، ضبطها، رکوردرها، الآن میگویند در کل دنیا چهار قرائت سائده هست؛ ورش، قالون، حفص و دوری. بعد میگوید الآن مؤسساتی آمدهاند قرائت های دیگری که قرائات قرآن است را در محافل تخصصی نشر میدهند. شما لوازم اینها را تصور میکنید ای نه؟!

من این سؤال را مکرر گفته ام. اما باید روی آن بیشتر تأمل کنیم. شعر معروف حافظ را همه شنیدهاید. میگوید:

... رسَد به فریاد ارخود به سان ِحافظ قرآن ز بَر بخوانی در چارده َ روایت[2]

خب اگر من باشم –مثل چند سال قبل که مباحثه شروع شده بود- وقتی میگوییم روایت یعنی چه؟ یعنی میگوییم با چارده قرائت. اصلا ً باورمان نمیشود که حافظ دارد یک اصطلاح میگوید.

چون درسش را نخواندهایم. میگوییم چهارده رواىت یعنی چهارده قرائت . خب این غلط است. هر کسی که کمی بلد است میگوید حافظ دارد طبق اصطلاح میگوید. هفت قرائت، چهارده رواىت. اصلا درست نیست که اینها را به جای هم به کار ببریم. او دارد دقیق، اصطلاح کلاسیک را میگوید.

سؤال دوم؛ حافظ دارد به این افتخار میکند؟ ای خجالت میکشد؟ سر خجالتش به زیر است که میگوید من ذهنم را از چهارده اشتباه، اجتهادات عدهای پر کردهام!!! آیا این را میگوید؟! ای دارد افتخار میکند؟! چهارده رواىت را کلام خدا و قرآن میداند و به آن افتخار میکند. نه اینکه بگوید چند نفر اجتهاد کردهاند و از روی جهل به خدا استناد دادهاند، من هم ذهنم را از اجتهادات آنها پر کردهام. خب چرا این کار را کرده؟ چرا در زمان ما چهار قرائت ساىد است اما او میگوید چهارده؟ چون زمان او چهارده تا مانند چهارتای الآن پخش بود. هر کجا میرفت موجود بود. مخاطب داشت و او را تحسین میکردند. الآن این کار شروع شده است. ما به این فکر باشیم که مبادی و تراث فقه شیعی را قبل از قرن یازدهم بخوانیم و بحث کنیم. ببینید الآن صاحب مفتاح الکرامه چقدر به گردن ما حق دارند. اینها را میگویند و آن فضا را برای ما زنده میکنند. اگر ما زنده نکنیم باید بگوییم ظرف سرکه است. یعنی الآن یک بخش عظیمی که شروع کردهاند، ظرف سرکه را باز میکنند؟! ظرف سرکه نیست بلکه ما مبانی اشتباه رفتهایم. ما گفته ایم مقدمه رعاع و... . تعبیرات عجیبی دارند. همین امروز دیدم. ما با تواتر به این صورت برخورد بکنیم؟! بعد بگویند معلوم است که در مصحف مسلمین جز «و وصی» نیست.

شاگرد: سعودی شبکه زندهای دارد که حرمین را به‌صورت زنده نشان میدهد. در آن پخش زنده قرآن هم پخش میکنند. من که دقت کردم دیدم چند قرائت را پخش میکنند.

استاد: همین تازگی هم دیدم. صدا میآمد. شبکه قرآن قرائت مصطفی اسماعیل را گذاشته بود که مکرر در مکرر «ملک یوم الدین» میخواند. همین بچههای زیر سن ده سال از او تقلید میکنند و همین سوره را میخوانند. از بچگی «ملک یوم الدین» میخوانند. بچه ای که با امکانات پیشرفته امروز، با صوت و تصویر و... از بچگی قرائت عشر را میبینند. ذهنش با آنها مانوس است. خیلی با ما فرق میکند. و همچنین ساىر مصاحف؛ عرض کردم وقتی مصحف ورش را میبینند «اوصی» است. میبینند که قاری آنها میخواند. میبینند که قاری الجزائر «سلام علی آل یاسین» میخواند. حال ما تلاش کنیم و بگوییم که اینطور نیست.

---

[1]فدکیه؛ وهذه القراءات العشر يدرسها طلاب قسم القراءات بكلية القرآن الكريم ، وأما الرواية فهي ما ينسب إلى الآخذ عن إمام من أئمة القراءة، والروايات التي يقرأ بها أهل السودان هي : الدوري ، وحفص، وورش، يدرسها طلاب قسم الدراسات الإسلامية بكلية القرآن الكريم ، ورواية الدوري كانت هي السائدة في السودان.

[2]حافظ، غزلیات، غزل شمارهٔ ۹۴

بازبینی #2
ایجاد شده 19 مارس 2024 10:46:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2024 13:06:18 توسط ... .